

جوانان حکمتیست ۲۸

سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست
Youth Communist Organization - Hekmatist



www.javanx.com

سر دبیر: **فواد عبداللہی**
foadsjk@yahoo.com
دبیر سازمان: **بهرام مدرسی**
bahramsjk@yahoo.com

سه شنبه ۱۸ اسفند ۱۳۸۳
۸ مارس ۲۰۰۵ - ۱۸ اسفند ۱۳۸۳



پیام کورش مدرسی لیبر حزب،
به مناسبت ۸ مارس
روز جهانی زن

آزادی زن، مرگ جمهوری اسلامی است! ۸ مارس روز "نه" دیگری به جمهوری اسلامی است!

زنان ایران!

هیچ چیز بیش از موقعیت فرودست زن در ایران به حیات جمهوری اسلامی گره نخورده است. زنان اتباع درجه سوم جمهوری اسلامی هستند. زن برده و مایملک مرد است. این حکم قرآن، حکم خدا و حکم جمهوری اسلامی این نمایندگان خدا روی زمین است. این نظم انسانی نیست باید سرنگون شود. مردم!

امروز بیش از همیشه آزادی، و تضمین حق برخورداری زن از کلیه نعمات مادی و معنوی جامعه شاخص تغییر واقعی در ایران است. آزادی زن بیش از هر وقت دیگری و بیش از هر جای دیگری در ایران به معنی آزادی انسان است. ۸ مارس تنها روز زن نیست. روز انسان است. روزی است که همه مردم باید اعلام کنند که آزادی زن شاخص آزادی در ایران است. روزی که حجاب اجباری برقرار نباشد، روزی که در ایران زن با مرد متساوی الحقوق اعلام شود، روزی که معاشرت زن و مرد در جامعه بعنوان یک حق انسانی اعلام گردد، آن روز روز سرنگونی جمهوری اسلامی است.

۸ مارس روز "نه" به حجاب اسلامی، روز "نه" به آپارتاید جنسی، روز "نه" به جمهوری اسلامی است. از طرف حزب کمونیست کارگری - حکمتیست همه شما را به پیوستن به این جنبش عظیم انسانی دعوت میکنم. دست جمهوری اسلامی و دست مذهب باید از زندگی مردم کوتاه شود.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی و برابری
زنده باد سوسیالیسم
کورش مدرسی

۲ مارس ۲۰۰۵ - ۱۲ اسفند ۱۳۸۳

۸ مارس هستی؟ بیا دانشگاهها را فتح کنیم!

مهرنوش موسوی



یکی دو روز بیشتر به روز جهانی زن نمانده است. گمان نمیکنم که در هیچ کشوری تا به این اندازه نفس برگزاری این روز، موضوع جدال اجتماعی و سیاسی میان دو قطب یک جامعه شده باشد. قطب حاکم و قطب مردم!

در ایران اما، این جدال از مدتها پیش در اعماق جامعه شروع و الان هر چه به ۸ مارس نزدیک میشویم به سطح میرسد و علنی میشود. مراسمها بی که تدارک دیده بودند، کم کم "مجوز" تبلیغ پیدا میکنند. وزارت کشور، اداره اماکن و اطلاعات اجازه تبلیغ برگزاری مراسم "مجوزدار" را تا ۴۸ ساعت قبل از مراسم نمیدهند. بین از این روز تا چه حد میترسند!! از مردمی که طرف قطب ما، یعنی طرف آزادی و رهایی زن ایستادند چه میترسند!!

به طور روشنی معلوم است که در تهران برگزاری این روز بویژه وزنه سنگینتری را روی دوش سنگر دانشگاه انداخته است. تا همینجا هم که تک و توکی مراسم در دانشکده های مختلف برگزار شده است، مامورین و مقامات نظام با ترس و لرز نظاره گرند. دانشگاه امسال در تهران و سایر شهرهای بزرگ نقش مهمی در برپایی ۸ مارس ایفا میکند، دانشگاه مدتهاست که سنگر آزادی و برابری است. آنچه در برگزاری این روز در دانشگاهها اهمیت ویژه دارد اینکه ۸ مارس روز سواری دادن به "رفراندوم" و جنبش از پا افتاده رفراندوم نیست. ۸ مارس روز ۸ مارس است، روز جهانی مبارزه علیه ستم و خشونت به زن است. روز کسانی نیست که خودشان به خاطر استیصال و شکست دوم خرداد در لانه رفراندوم خزیدند، کرکره هایشان را پایین کشیدند، حاضر نشدند مراسمی بگیرند که مبدا مثل سال گذشته جوانهای تهران با مشتهای گره کرده شعار بدهند که "آزادی، عدالت، سکوت تو جنایت!" در عوض مدام همین نسل را تحقیر کردند، حتی رسماً اعلام کرده اند بیفایده است ۸ مارس نمیگیرند! ۸ مارس جای اینها نیست که طرح نخ نما شده رفراندوم را روی کول ۸ مارس سوار کنند که با هیچ ترفندی سوار نخواهد شد، نمیگذاریم! حال که ۸ مارس را امسال فقط ۸ مارسها برگزار میکنند، از شر دوم خردادبها و شکست طلبان جنبش راحت شده است، پس باید با همین کاراکتر هم برگزارش کرد! ۸ مارس روز اعلام مجدد جنگ ما علیه نظام است. نظام زن ستیز، نظام صیغه! نظام فقر و فحشا، نظام سقط جنین با آمپولهای گاوی، جنینهای زباله ها و جوبهای آنها، نظام جشن بردگی تکلیف! نظام بانوی دیگرها و خانه های عفاف! نظامی که از هر

روزنه آن، درست به خاطر پایه اقتصادی اش، خواه فرهنگی، اخلاقی، سیاسی، هنری و... مدام زن ستیزی باز تولید میشود! ۸ مارس روز حرفهای خسته کننده در باره تلاشهای مسخره یک عده برای وصله پینه کردن این وضع نیست. ما دیگر از این حرفها صرفاً خسته نیستیم، حوصله مان سر میرو، بلکه خودشان دارند میبینند که صدایمان هم بلند شده است. پارسال کولایی نزدیک بود دمش را روی کولش بگذارد، آن عده را از میدان به در کردیم، ته مانده های دوم خرداد را آورده اند، اینها هم در مقابل عزم جزم ما برای فریاد کردن آزادی و برابری چاره ایی ندارند که برای جلوگیری از رسوایی شان ساکت شوند! حرف ما قطعنامه های ماست! دست مذهب باید از سر زنان و کل جامعه کوتاه شود! آزادی و برابری زن باید قانون رسمی مملکت شود! حجاب اجباری باید لغو شود! ۸ مارس باید به عنوان تعطیل رسمی وارد تقویم کشور شود! آپارتاید جنسی باید ممنوع اعلام شود! و خلاصه همه خواستههایی که بر آزادی و برابری حقوق زن و مرد التزام دارد. جمهوری اسلامی میدانند، به خوبی واقف است که این مردم دست از سر نظام بر سر خشونت به زن بر نمیدارند. مسئله زن را هم به هیچ عنوان نه با نظام و نه با قرآن میتوان آشتی داد و نه با سرمایه داری و مناسبات تبعیض منتج از آن! دانشگاهها باید مال ۸ مارس شود. ۸ مارس باید به وسیله دانشجویان چپ و کمونیست دانشگاهها را فتح کند! ۸ مارس یکی از فرازهایی است که با زور متحد خود در این جنگی که میان ما و نظام هست یک گام بلند عقبش میرانیم و شکست دانش را تسهیل میکنیم.

با ما ۸ مارسها یکصدا شویدا! پرچم آزادی و برابری را بلند کنید! پرچم رهایی زن را بلند کنید! بیایید با ۸ مارس دوباره دانشگاهها را فتح کنیم!

از برنامه تلویزیونی سازمان
رهایی زن دیدن کنید.
www.rahai-zan.uhrtv.com

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

“منشور سرنگونی جمهوری اسلامی” اولین قدم برای رهایی آموزش و پرورش از دست مذهب!

امید خدابخشی

“امروز رنگ آخر دینی داریم و باز هم مثل همیشه شلوغی و شیطننت بچه های ته کلاس که معمولا همه چیز را به مسخره میگیرند با ورود آقای کاتبی، معلم دینی با اون ریشهای نتراشیده و پیراهن چرکی که روی شلوار انداخته



ناکهان تبدیل به سکوت قبرستان میشود. درس را شروع میکند با نشانه های ظهور حضرت مهدی، در حالی که صدایش شبیه نوحه های روز مردن خمینی شده بر ایامان از مردی میگوید که یک دفعه با اسبش به جهان حمله میکند و شمشیرش آنقدر میکشد که تا زانو در خون فرو میرویم، هر کس که گناهکار باشد کشته میشود. پیش خودم فکر کردم که

مراسم اختتامیه جشنواره نشریات دانشجویی در مشهد برگزار نشد!

مرکز خبری سازمان جوانان کمونیست-حکمتیست

۱۶ اسفند ۱۳۸۳ - ۶ مارس ۲۰۰۵

از روز ۱۱ تا ۱۵ اسفند جشنواره و نمایشگاه نشریات دانشجویی کل کشور در دانشگاه فردوسی مشهد و به میزبانی دانشگاه علوم پزشکی مشهد بر پا بود. در این جشنواره که ۱۳۰۰ نشریه دانشجویی شرکت داشتند. روز اول جشنواره تریبون آزاد برگزار شد که در آن دانشجویان خواهان آزادی و بلاگ نویسان و رفع توقیف نشریات دانشجویی و حتی انحلال و به رسمیت نشناختن شورای انقلاب فرهنگی شدند. این تریبون آزاد باعث وحشت مسئولین شد به نحوی که تمامی مراسم های تریبون آزاد در حاشیه جشنواره را لغو کردند و این امر باعث شد که در روز دوم مدیران مسئول تجمع کنند و علیه مسئولین برگزار کننده شعار دهند. شنبه روز آخر جشنواره و در اختتامیه آن دانشجویان با خواندن سرود یار دبستانی من و در حالی که بی توجه به ماه محرم دست و سوت می زدند به روی سن اجرای مراسم اختتامیه آمدند و میکروفون را از دست مجری برنامه گرفتند و به خواندن بیانیه های خود پرداختند. روسای دانشگاههای فردوسی و علوم پزشکی مشهد به همراه وزیر بهداشت به سرعت مراسم را ترک می کنند. دانشجویان در ادامه به سخنرانی و خواندن قطعنامه های خود که به امضای نشریات زیادی رسیده بود می پردازند. خواسته های مدیران مسئول نشریات دانشجویی در قطعنامه هایشان چنین بود:

- آزادی بیان و نشر / آزادی هر چه سریعتر و بلاگ نویسان نویسندگان نشریات و دانشجویان در بند
- انحلال شورای انقلاب فرهنگی / انحلال دادگاه انقلاب
- انحلال کمیته های انضباطی
- ایجاد هیئت منصفه دانشجویی منتخب دانشجویان برای رسیدگی به پرونده های انضباطی و نشریاتی داخل دانشگاه مراسم اختتامیه پس از خواندن بیانیه های نشریات و همراه با شادی و شور دانشجویان و در غیاب مسئولین به پایان رسید!

خوابم نمیبرد...”

مطلب بالا نه قسمتی از یک فیلم ترسناک هالیوودی است و نه بخشی از نوشته های یک نویسنده کتابهای وحشت، که بخواهد با قدرت تخیلش ببیند و یا خواننده را کمی هیجان بدهند، بلکه قسمتی کوچک از خاطرات تلخ دوران تحصیل میلیونها کودک و نوجوان ایرانی است که تا آخر عمر به دنبالشان خواهد بود. سالهاست تلاش میکنند در ذهن دانش آموزان موجودات خیالی و وحشتناک و خدایی که بیرحمانه آنها را تحت نظر دارد و

تنبیه خواهد کرد و جهنم سوزان دارد بسازند و آنها را در هراس دائمی قرار میدهند. کودکانی که در این سیستم آموزشی بزرگ میشوند غالبا فاقد شخصیتهای بالغ و سالم هستند. در هیچ جای دنیای مدرن کسی حق ندارد این مسائل خوبان، خشن و خرافاتی

را به دانش آموزان درس بدهد. باید مورد توافق و خواست مردمی برای هر یک ثانیه که در مدرسه باشد که این نظام را نمیخواهند. بجای تدریس و کمک به رشد و روز افتادن جمهوری اسلامی روز شکوفایی اینچنین با اعصاب و اعلام جدایی مذهب از دولت و روان کودکان بازی کردند میتوان آموزش و پرورش است. منشور یک جلسه دادگاه برگزار کرد و سرنگونی جمهوری اسلامی نشان داد که جمهوری اسلامی چه بر سر این مردم آورده است، اما این کافی نیست و نباید کافی باشد، نسل بعدی چه میشود؟ میخواهد آموزش و پرورش و کلا کودکان دیگری باید به این جهنم اجباری بروند؟ مردم ایران با هر عقیده و گرایش سیاسی، با توجه به شناختی که از دخالت مذهب در دولت و آموزش و پرورش دارند، اینابر مهمترین خواستشان برای حکومت آینده باید کوتاه شدن دست مذهب از دولت و مدارس باشند در فضایی شاد و سالم دختر و پسر با یکدیگر شنا و باید کاری کرد که دیگر هیچگاه مذهب، مدارس را تسخیر نکند و بتوانند اعتماد به نفس داشته باشند، شما هم همراه با سازمان مذهبی قرار نگیرند و قربانی نشوند. اگر قرار است جامعه ای سالم داشته باشیم این مراکز تکثیر و پخش کنید و خواسته های مذهبی است که باید خالی از انسانی آنها به خواست همه هرگونه مذهبی باشد و این اتفاق جامعه تبدیل کنید.

شبهای عزا داری شبهای جشن جوانان!



آیلتا فرزانه

دستان آلوده به خون حکومت مرد سالاران را در این شبهای پرجنایت حسینی کوتاه کنیم. این روزها صدای ایجاد رعب

و وحشت جمهوری اسلامی را در گوشه و کنار شهرها بیشتر از پیش میبینیم صدای زنجیرهای آشوریهای حسینی.

صدای عزاداریهای ۱۴۰۰ ساله جمهوری اسلامی سعی بر این دارد مردم را زیر تزییق خود نگه دارد غافل از اینکه برگذاری این شبهای پارتی و مهمانی بزرگی بدون حضور فیلتر برای عموم مردم به خصوص جوانان شده است. این شبهای بهانه ای برای دور هم جمع شدن خانوادهها به خصوص قشر جوانتر جامعه شده است اما حکومت ننگ با سرکنشی به تجمع جوانان به هر دلیلی، با ایجاد مزاحمت موجبات اذیت و آزار آنها را فراهم میکند. در کوچه و خیابان با حمله به زنان و دختران بد حجاب سعی در غلیض کردن آشورای حسینی میکند. دختران با پوششهای اعتراض آمیز خود پشت پا به تمام حسین و جد و آبادش و تو دهنی به حکومت کشت و کشتار اسلامی میزنند عرش الهی چپ و راست در حال جا به جا شدن و لرزیدن است و متخصصین اسلامی در حال پاسداری از آن برای

جلوگیری از، ازهم پاشیدگی عرش خدا... قربانی میگیرند. ۸ مارس مصادف با “۲۶ محرم” نزدیک است و این قربانی گرفتنها برای بی رمق کردن مردم تا به فراموشی سپردن این روز بزرگ است. این شبهای فرصتی است برای ارتباطات بیشتر. دست اندر کاران جمهوری اسلامی با بمب گذاری و ایجاد فضای رعب و وحشت در گوشه و کنار تصمیم به از بین بردن ۱۸ اسفند روز جهانی زن دارند و با تبلیغات کثیف خود در روزنامه ها اینکه مردم تاریخ تولد فرزندان خود را به خاطر نمایاروند ولی چگونه روز جهانی زن را فراموش نکرده اند سعی بر رسیدن به اهداف خود را دارند. بر خود نمایندگان خدای جدایتکارشان مبرهن است که بزرگی و حقیقی بودن این روز است که آنها را وحشتزده کرده است. میدانند که حضور زنان و مردان آزادیخواه در چنین روزهایی کار نمایندگان آقای خدا را یکسره خواهد کرد. برای چندمین بار به خیابانها آمده و به قوانین مردسالارانه جمهوری اسلامی “نه” میگوییم. اینهمه عزاداری اینهمه جنایت و خونریزی “نه نه” به این حکومت، ارزش روز زن از تمام این سالهای عزاداری اسلامی بیشتر است چون هر روز، روز زنان است.

چهارشنبه سوری امسال، ما در محلات حکومت خواهیم کرد!



گفتگوی مصطفی اسدیپور مدیر مسئول رادیو پرتو با بهرام مدرسی دبیر سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

کوچه های خودشان با بقیه بچه ها جمع شوند و کل فضا را در دست بگیرند. الان در تهران و شهر های بزرگ ایران طوری شده است که مردم حال و هوای کوچه ها را به راحتی از هم تشخیص می دهند. برای نمونه در

تهران محلاتی به نظر جوانان "کویت" هستند. یعنی اینکه آزاد است، دختر و پسر می توانند راحت با هم بگردند، شبانه در این محلات گیتار زنی توسط جوانان راه می افتد، می خورند، می زنند و می رقصند. و از طرف دیگر محلاتی را هم داریم که می گویند: "بابا نرید اونجا، همه حاجی و مسلمانند. بیشترشون طرفدار

قوانین اسلامی و حکومتی اند!" اگر ما در اکثر محلات و در شهرهای بزرگ از جمله تهران، شیراز، تبریز، سمنجان و ... بتوانیم قوانین اسلامی و حکومتی را در محلات این شهرها جارو کنیم، یعنی اینکه نیروهای رژیم جرات نکنند وارد محل شوند، چپ به دختر و پسر نگاه کنند، جرات نکنند که وارد خانه های مردم شوند و جوانان را به جرم پارتنری و جشن اذیت و شکنجه و شلاق بزنند، جرات نکنند جلوی حرف کسی را بگیرند، اگر در محله مان مردم بتوانند آزادانه در مورد سیاست و آینده بعد از رژیم گپ بزنند و هم نظری کنند، اگر ما چنین فضایی را در محلات شهرهای بزرگ بوجود آوریم قطعاً اساس حاکمیت جمهوری اسلامی را تق و لق کرده ایم. منتها مهم این است که ما آگاهانه به استقبال این حرکت برویم و بدانیم چکار می کنیم. مهمتر از همه ارتباط و اطلاع از کوچه و محله بغل دستی است. باید مطمئن بود که کاری را که در محله خودمان سازمان داده ایم در محله همسایه هم به اجرا در می آید. یک هماهنگی کامل با سایر محلات از اهمیت بسزایی بر خوردار است. باید از اتفاقاتی که در محلات رخ می دهد با خبر شد. فردا در فلان محله عوامل رژیم اسلامی اینکار را میخوانند بکنند، نذارید بچه های

دانشگاهها یک الیت روشنفکری دارند که الان دیگر چپ است و بیش از هر کس دیگری حتی اگر خودشان هم غافل باشند به حکمتیستها می چسبند. منتها منشأ اعتراض هر روزه به ارکان اسلام و حکومت اسلامی، خواست زندگی آزاد و برابر، اینکه آدم احساس راحتی و آرامش کند، آزادانه دست دوست دختر یا دوست پسرش را بگیرد، هر جوری که دلش خواست بیوشد و بخورد و بیاشامد، این خواست ابتدائی و انتظار از زندگی بهتر در سوخت و ساز مردم محله، از داخل خانه ها و کوچه پس کوچه ها و محلات بیرون می آید. و از همینجاست که محلات نقش اساسی پیدا می کنند. ببینید هر اتفاقی از جمله چهارشنبه سوری، شام غریبان، مسابقات فوتبال و ... که در جامعه رخ می دهد، محله مرکزی می شود برای جمع شدن، گپ زدن و جشن گرفتن سر مسائل متعدد. بچه های محل سعی می کنند به شیوه ای که خودشان دوست دارند و از آن برداشت می کنند با بقیه شریک شوند و در میان بگذارند و سر آخر تصمیم می گیرند که چکار باید بکنند. در نتیجه مرکز تحولات محله است و چه جایی بهتر از اینکه آدم در محله اش خیلی آگاهانه و روشن سعی کند کنترل محله و رهبری محله را در دست بگیرد.

این اتفاقی است که در روز روشن در چهارشنبه سوری خواهد افتاد چیزی که دیروز همانطور که خود شما اشاره کردید در کوچه پس کوچه های میدان محسنی رخ داد. به این اعتبار ما به جوانان فراخوان می دهیم که در محلات و کوچه پس

بود که خود عوامل و نیروهای انتظامی و نظامی رژیم عملاً انگار که اعتراف کنند که نمی توانند بیش از این اعتراض و خواسته های جوانان را کنترل و سرکوب کنند، بخشی از خیابانهای دور و بر میدان محسنی را بسته بودند و عملاً به اعمال اراده خود جوانان تن داده بودند که در این راستا خود روزنامه های رژیم از جمله "جمهوری اسلامی" و "کیهان" و ... به آن اعتراض کردند.

مصطفی اسدیپور: اینجا بحث کنترل محلات پیش می آید. ما از یک طرف اعتراضات سیاسی و مسئله دانشگاه ها از جمله آنچه در ۱۶ آذر رخ داد را شاهدیم و از طرف دیگر نوعی دیگر از "کنترل محلات"، جوانان در محلات، اقشار مختلف در یک تجمع معین را می بینیم. چه تفاوتی بین این دو نوع زمین اعتراض و مبارزه یعنی دانشگاه و محله وجود دارد؟

بهرام مدرسی: اینجا اختلاف مهمی وجود دارد. رژیم می تواند دانشگاه را خیلی راحت ببندد. یا حتی اگر مسئله بستن دانشگاه نباشد اما یک روز امتحانات ترم آخر دانشگاه پیش می آید، پشت سرش تعطیلات دانشگاهی شروع می شود و دانشگاه ها بسته می شوند. منتها محله را رژیم نمی تواند ببندد. بدین خاطر که قادر به کنترل زندگی روزانه مردم در محلات و کوچه پس کوچه ها با بچه های محلی که در آن دور هم جمع می شوند، حالشان را می کنند و گپشان را می زند، نیست. و اینجاست که بنظرم محلات قلب اعتراض جوانان است. اصولاً اعتراض جوان از اینجا شروع می شود و به دانشگاه کشیده می شود.

تصویر یک زندگی شاد و مدرن در رابطه ای تنگاتنگ با الگوی زندگی اروپایی بود. این اتفاقات در میدان محسنی تازگی ندارند، چندین ساله که در این محله اتفاق افتاده و به سنت جوانان در این محل تبدیل شده است. مصطفی اسدیپور: شما از "کد"های رژیم اسلامی صحبت کردید. درست در یکی از مراسم های مهم مذهبی جمهوری اسلامی که تاسوعا و عاشورا "کد"های مهم آن بود اما جوانان به سراغ مسخره کردن و به دور انداختن "کد" مهمتر و اساسی تری به نام "حجاب" و آن هم در یک نمایش عملی و زنده رفتند و کل مراسم مذهبی رژیم را به سخره گرفتند. این نشانه چیست؟ آیا جوانان به سیم آخر زده اند؟ یا کنترل دولتی ضعیف شده و یا اینکه قدرت تعرض جوانان را نشان می دهد؟

بهرام مدرسی: از یک طرف ضعف و از طرف دیگر قدرت اعتراض جوانان در ایران را نشان می دهد. راستش حکومت اسلامی از طرح مذهبی کردن و مسلمان کردن جوانان شکست خورد، نتوانست جوان آن مملکت را تابع قوانین مذهبی، کدهای اخلاقی، پرورشی و رفتاری به شیوه اسلامی کند. و درست در تجمعاتی چون میدان محسنی در مراسم خود رژیم شاهد بدل زدن به رژیم از طرف جوانان هستیم. کنار زدن حجاب یک وجه قضیه است. راستش من فکر می کنم خواست جوانان خیلی بیشتر از کنار زدن حجاب است، اساساً "ته" گفتن به کل بنیان مذهبی و قوانین اسلامی فلسفه چنین حرکات و تجمعاتی از طرف این نسل است. مسئله ای که امسال در میدان محسنی جالب بود این

مصطفی اسدیپور: "چهارشنبه سوری داغ در ایران به روش شام غریبان در تهران"، این عنوان مقاله ای است که در نشریه جوانان حکمتیست ۲۷ چاپ شده بود. این مقاله به استقبال چهارشنبه سوری رفته و فراخوانی برای تکرار نمونه کارناوال های شادی میدان محسنی در شام غریبان هفته پیش داده است و گفته شده که می توان چهارشنبه سوری داغی را از این دست شاهد بود. همچنین ایده تجمع عمومی و تدارک برای یک جشن عمومی بر مبنای شکستن قوانین و مقررات مذهبی و تبعیض آمیز دولتی و تا حد بحث کنترل محلات در این مقاله مطرح شده است. سوالات متعددی در این زمینه مطرح است اما بگذارید از اینجا شروع کنیم که در میدان محسنی چه گذشت؟

بهرام مدرسی: امسال میدان محسنی در تهران مثل هر سال به بهانه مراسم مذهبی عاشورا و تاسوعای رژیم به مرکز تجمع جوانان دختر و پسر تبدیل شد. امسال مراسم عزاداری رژیم بهانه خوبی به دست داد تا جوانان کل قوانین و کدهایی را که جمهوری اسلامی طی سالها حاکمیت سیاهش بر جامعه تحمیل کرده و یا حد اقل تلاش کرده تحمیل کند زیر پا بگذارند. چادرها کنار زده شد، روسری ها از سرها افتاد و بیشتر شبیهه پارتی ها و کارناوال های اروپایی و غربی بود. اگه آدم تصویر خامنه ای ها و خاتمی ها و احکام اسلامی و مزخرفات قرآن را بر در و دیوارها و پرچم ها کنار بزند، کل فضای که در میدان محسنی حاکم بود حاکی از

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

”شاداب سازی مدارس دخترانه“ یا جارو کردن بساط مذهب از مدارس؟!



فواد عبدالمهدی

مدرسه برخوردار می شوند. طرح شاداب سازی مدارس دخترانه کشور با هدف افزایش روحیه شادابی در بین دانش آموزان دختر اجرای می شود و اجرای این طرح مناسب تر از طرح ”استقار سازی“ است. وی اظهار داشت: طرح استقار سازی که در سال های قبل مطرح بوده جواب مناسبی نداد و هم اکنون طرح شاداب سازی مدارس دخترانه در دستور کار قرار گرفته است. بس است جناب مدیر! این شامورتی بازیها و این طرح و

نقشه ریختن هایتان کار به جایی نمی برد. مسئله نه بر سر ”شاداب سازی مدارس دخترانه“ که بر سر حجاب و پوشش اجباری و جداسازی جنسی انسانها در قرن ۲۱ تحت قوانین قرون وسطایی اسلامی است. مسئله دقیقا بر سر تحمیل قوانین و بشین پاشوی سیستماتیک اسلامی در مدارس و دانشگاهها است. روزی نیست که جوانان دختر و پسر در نقض مقررات اسلامی به اماکن رژیم احضار نشوند و تحقیر نگردند. حکومت اسلامی و ترشحات فرهنگی اش انسانها و به طور اخص زنان را از همان دوران کودکی طوری تربیت می کند که نقش و جایگاه خود را در جامعه بشناسد. مهمترین کد اسلام حجاب است که زنان را به عنوان احاد مجزای انسانی به تصویر می کشد. حجاب در دوران زندگی دختران و هنگام ورود به مدارس و دانشگاهها نوع معینی از فرهنگ و اخلاقیات و روحیات را در جامعه بازتولید می کند و نقش زن را در برابر مرد تعریف می کند. جناب مدیر اگر ریگی به کفش نداشته باشد خوب می داند که حجاب و قوانین اسلامی چه نقشی را در ویران سازی دختران بازی می کند. انسانی که پیشتر ”شاداب سازی“ محیط نتواند زیبایی های بدنش را نمایان کند، دختری که به خاطر تحمیل پوشش اجباری از

محله بغل دستی را اذیت کند! اگر قادر باشیم چنین فضا و روحیه ای را در محله خودمان سازمان دهیم آنوقت است که تمام حاکمیت جمهوری اسلامی را در ابعاد وسیعی زیر پا گذاشته ایم.

مصطفی اسدپور: بحث ”کنترل محلات“ یکی از حلقی های به زانو در آوردن رژیم اسلامی در سطحی وسیع است که از طرف سازمان جوانان حکمتیست مطرح شده است. این موضوع را به مصاحبه دیگری موكول می کنیم. خیلی خلاصه به عنوان آخرین سوال منظور شما از اینکه ”باید به استقبال یک چهارشنبه سوری داغ رفت“ چیست؟

بهرام مدرسی: منظورم صاف و روشن این است که در چهارشنبه سوری باید محلات دست ما باشد. اگرچه رسما جمهوری اسلامی در حکومت است اما عملا ما باید در این روز در محلات حکومت کنیم. ”ما“ منظورم همه کسانی است که مثل ما فکر می کنند. باید تعیین و طرح کنیم که آن شب در محله چه می خواهد بگذرد.

کسی جرات نکند رو دست کسی را بزند که دست دوست دختر یا دوست پسرش را گرفته است. کسی جرات نکند مانع رقصیدن و دانسینگ جوانان شود. کسی جرات نکند به زنان محل بگوید ”چادرت عقب افتاده“. کسی جرات نداشته باشد به دیگری بگوید ”دهنت بوی الکل میده“. همه اینها را اگر جمع کنی یعنی ما باید در این روز در محلات اعمال قدرت کنیم و محله را در دست بگیریم. این چهارشنبه سوری داغ خواهد بود، آتش و فضای آن هم باید داغ باشد. خیلی خلاصه عرض کنم: ما باید تصویر یک زندگی آزاد، انسانی، شاد و برابر را نشان دهیم و اعمال کنیم. این چیزی است که باید اتفاق افتد و هیچ شعار و مطالبه ای بهتر از خواست ”آزادی و برابری“ در روز چهارشنبه سوری نیست. من اطمینان دارم امسال چهارشنبه سوری داغی را شاهد خواهیم بود و امیدوارم مثل سال گذشته عملا اعلام کنیم که این ما بودیم که در محلات حکومت کردیم و به حکومت اسلامی ”نه“ گفتیم.



تلویزیون پرتو برنامه ای از حزب حکمتیست

برنامه های پرتو روزهای چهارشنبه ساعت ۷:۲۰ تا ۸:۲۰ شب به وقت تهران (۵ تا ۶ بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی و ۸ تا ۹ صبح به وقت امریکای غربی) از شبکه کانال یک پخش میشود. این برنامه پنجشنبه ها ساعت ۷:۲۰ تا ۸:۳۰ صبح تهران مجددا پخش میشود.

مدیر مسئول: آذر مدرسی

برنامه پرتو را روی سایت آن نیز قابل مشاهده است:
www.hekmatist.com/parto

برنامه های زنده

تلویزیون پرتو
هر چهارشنبه برنامه زنده گنگو با فاتح شیخ، رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۹ مارس برنامه زنده با حضور فاتح شیخ و اعظم کم گویان
ساعت ۷:۲۰ تا ۸:۲۰ به وقت تهران از شبکه کانال یک

تماس با سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

دبیر سازمان: بهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۲۲۶۱۲

سر دبیر: فواد عبدالمهدی
foadsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

مسئول خارج کشور: جمال کامانگر
jkamangar@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۶۹

مسئول مالی: نسیم رهنما
nasimrahnamadk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۲۴۲۴۵

رادیو پرتو روی طول موج کوتاه!

از روز شنبه ۸ اسفند ماه

هر شب از ساعت ۹ به وقت تهران بمدت نیم ساعت

SW 49 meter , 5810 KHZ

طول موج و ساعات پخش را روی تیر و راه گاهای نوسان و آنتنهای خود برسانند!

www.radiopartow.com

Tel: 0046 707 399 868

به سازمان جوانان حکمتیست بپیوندید: www.javanx.com